



۱۰۷۱۹

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان پایان نامه:

فرقه دمکرات آذربایجان و اتحاد شوروی

(با تاکید بر اسناد جدید)

کتابخانه اسناد و کتابخانه
دانشگاه تهران

نگارش: آرزو یوسفی

استاد راهنما: دکتر حمید احمدی

استاد مشاور: دکتر الهه کولایی

۱۳۸۷ / ۷ / ۲۵

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی

شهریور ۱۳۷۸

۱۵۰۶۸۹

چکیده

چگونگی تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان از موضوع‌هایی است که تا چند سال پیش اتفاق نظری درباره آن وجود نداشت. هواداران پیشه‌وری، او را رهبر یک جنبش ملی و خودجوش در آذربایجان معرفی کرده‌اند و استالین را متهم می‌کنند که از این جنبش در جهت منافع اتحاد شوروی بهره‌برداری کرده است، در حالی که برخی دیگر آن را ادامه سیاست اتحاد جماهیر شوروی به منظور تجزیه آن از ایران می‌دانستند. کمبود اسناد و مدارک و گواهان عینی نیز بر این ابهام افزود. فقط در پی باز شدن آرشیوهای شوروی (آن هم به صورت اندک) و انتشار چنین گزارش‌هایی است که می‌توان از نقش شوروی، استالین، باقروف و برنامه‌ها و اهداف آنها سخن گفت.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
فصل اول فرقه دموکرات آذربایجان	
۱۰	پیشه‌وری، صدر فرقه دموکرات آذربایجان
۱۴	تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان
۱۸	عکس‌العمل دولت در مقابل فرقه
۲۱	مذاکره هیئتها
۲۴	ورود ارتش به آذربایجان
۲۶	حکومت فرقه: اقدامات و اصلاحات آن
۲۶	الف- اقداماتی که برای اولین بار در تاریخ ایران انجام میشد
۲۸	ب- اقدامات و خدمات دیگر
۳۰	دلایل شکست فرقه
۳۰	شائبه جدایی از ایران
۳۰	مشکلات اقتصادی
۳۰	نداشتن ارتش کارآمد
۳۱	وابستگی به شوروی
فصل دوم سیاستهای کلی شوروی در شرق	
۳۳	انقلاب روسیه
۳۴	استراتژی انقلابی در شرق (۱۹۲۱-۱۹۱۷)
۳۷	اجرائی کردن استراتژی انقلابی
۳۷	لغو قراردادهای ۱۹۱۵ و ۱۹۰۷
۳۷	تشکیل انترناسیونال سوم (کمیترن)
۳۸	کنگره ملل شرق در باکو
۴۲	استراتژی دفاعی (۱۹۲۸-۱۹۲۱)
۴۴	قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی
۴۵	قطع حمایت از نهضت جنگل
۴۶	حمایت سیاسی از دولت رضا خان
۴۸	به قدرت رسیدن استالین
۴۸	سوسیالیسم در یک کشور
۴۹	از سرگیری استراتژی تهاجمی
۴۹	کنگره ششم
۵۰	استراتژی ضد فاشیستی

۵۰.....	کنگره هفتم
	فصل سوم فرقه و اتحاد شوروی
۵۳.....	پیشینه روابط ایران و روسیه
۵۵.....	سیاستهای توسعه طلبانه شوروی قبل از اشغال ایران
۵۷.....	اشغال نظامی ایران
۶۰.....	سیاست شوروی بعد از اشغال (۱۹۴۱-۱۹۴۵)
۶۰.....	مرحله اول اتخاذ مشی منفعلانه
۶۲.....	رفتار نیروهای ارتش سرخ در آذربایجان
۶۳.....	مرحله دوم اتخاذ مشی فعالانه ۱۹۴۴-۱۹۴۵
۶۵.....	بحران نفت شمال: مقدمه شکل گیری بحران آذربایجان
۶۶.....	هدف شوروی از تقاضای امتیاز نفت
۶۸.....	مرحله سوم: فرمانهای استالین و تعیین خط مشی سیاست شوروی در آذربایجان و کردستان
۷۷.....	چرخش در سیاست شوروی
۷۹.....	جمع بندی نهایی
۸۴.....	فهرست منابع

مقدمه

یکی از اهداف بسیار مهم شوروی از انقلاب اکتبر به بعد، برپایی انقلاب کمونیستی در ایران و تحت نفوذ در آوردن مناطق شمالی این کشور که «حکم نرمة زیر شکم» را برای اتحاد شوروی داشت، دو بود. برای رسیدن به این مقصود نیز از هر فرصتی استفاده می‌کردند؛ برای مثال حمایت از جنبش ملی‌گنج و وارد کردن اعضا و طرفداران خود به داخل آن با هدف به چپ کشیدن و کمونیستی کردن این نهضت به عنوان اولین تجربه صدور انقلاب، که البته ناموفق نیز بود. همچنین بستن قرارداد ۱۹۲۱، قرارداد فرط از حکومت رضاشاه و اخراج تعداد زیادی از ایرانیهای ساکن در قفقاز و شوروی. این عده‌های روبه‌جه بودند به تابعیت آن کشور درآیند یا اینکه شوروی را ترک گویند. «در سال ۱۹۳۸، ماگنهن‌دندان‌درگزاب اتباع ایران از آذربایجان شوروی، مقامات امنیتی ماموران خود را در میان پنجاه هزار نفری تبعیبه‌ی ایران فرستاد» (بیات ۱۳۷۵: ۳۵). این عده برای انجام کارهای سیاسی ماسخه‌ی داصتقا وی‌گنهره اعزام شده بودند (حسنلی ۱۳۸۳: ۱۸).

با هجوم آلمان به خاک شوروی، مسکو مجبور شد موقتا از خواسته‌های منطقه‌ای دوخت‌سد بکشد، ولی با توجه به حضور تعداد کثیری از نیروهای شوروی در قلمرو ایران موضوع ایران به پیچیده وجه از یاد نرفت. در خلال دوران جنگ زمینه بالقوه نفوذی و روش‌شناسی به از ره دوره‌ی رنگید دو بود. حضور نیروهای شوروی در ایران فقط یکی از عوامل دخیل در این امر بود. نارضایی عمومی دو-جوه نیز مورد بهره‌برداری روسها قرار گرفت. تردیدی نیست که استالین قصدت‌شاندن‌ی یا همزرم راه‌ک در خلال مذاکراتش با هیتلر معین کرده از دست بدهد. اما حکومت شوروی که خود در شت‌آی و روش‌شید نیروهای آلمان می‌سوخت در موقعیتی نبود که حرکت جدیدی را در ایران آغاز کند. ارهاظ درن‌یا برهه، با توجه به شرایطی که داشتند، سیاست «لحظه به لحظه» و انفعالی در پیش گرفته بودند. این‌یا حال برخی اقدامات و فعالیت‌های آشکار روسیه شوروی برای برهم زدن اوضاع مناطق تحت‌ی لاغشا به نفع خود، باعث نگرانی دیگر متفقهای او بود.

هنگام برگزاری کنفرانس تهران با حضور جوزف استالین رهبر ی و روش‌شن‌یلکنارف ت‌لوزوز رئیس‌جمهور آمریکا و وینستون چرچیل نخست‌وزیر ایناتیر به‌میلاعا ای از ی و سدن‌ار بره‌ی اهورین متفقین منتشر شد که در آن، تضمین شده بود سه کشور با گذشت حداقل شش ماه از امتاخ‌گنج ایران را تخلیه کنند. تنها ۱۰ روز پس از پایان جنگ جهانی دوم (اردیبهشت ۱۳۲۴) دولت‌ن‌اریا ی‌ط یادداشتی پیروزی متفقین را به سه کشور آمریکا، شوروی و انگلیس تبریک گفت و یادآوری درک‌ه‌ک پس از پایان جنگ در اروپا، دیگر لزومی به باقی ماندن نیروهای متفقین در ایران نیست و رتهبت‌سا نیروهایشان هرچه زودتر خاک ایران را ترک کنند. هرچند این یادداشت بی‌پاسخ ماند اما درس نارفندک

پوتسدام در تیرماه ۱۳۲۴ استالین، ترومن و چرچیل در اعلامیه نهایی موافقت کردند که ی‌اوقن نیقفته بلافاصله تهران را تخلیه کنند و در کنفرانس وزرای خارجه سه کشور آمریکا، و شوروی و سیلگنا در لندن براساس یک پیمان سه‌جانبه قرار شد تا ۱۲ اسفند ۱۳۲۴ نیروهای نیقفته کماخناریا راکرت کنند.

استالین که می‌خواست قبل از پایان موعد مقرر جای پای محکمی در ل‌امش‌ناریا به دست آورد و به آنچه از سالها پیش در سر داشتند برسد می‌بایست سریعاً یا از طریق کسب یک امتیاز نفتی که بحث آن از یک سال پیش آغاز شده بود، و می‌رفت که به‌کین‌ارحجیل‌یدبته دوش‌ناید تاس‌یس حکومت دست‌نشانده در آذربایجان -یا هر دوی اینها- اقدام کند. بحران نفت ۱۳۲۳ (۱۹۴۴) که هم‌مدقه وقایع آذربایجان و عدم تخلیه‌ی‌اهورین‌ی‌وروشه درخ‌یراته تقییه مدشه از‌ناریا مدیدرگ، ت‌سایسه تجاوزکارانه و ما‌جی‌ا‌هییلط‌ی‌وروشه را در دوران‌دعب از گ‌ن‌جراکشاً ت‌خاسه‌قرف تارکومه آذربایجان در سوم سپتامبر ۱۹۴۵ (۱۲ شهریور ۱۳۲۴) در تبریز تاسیس شد و دو روز بعد کمیته‌ی‌تلا‌یا حزب توده در آذربایجان با آن ادغام شد. اهداف آشکار فرقه دموکرات آذربایجان، ایجاد خودمختاری در چارچوب ایران، هدایت تمامی امور مدارس و نهادهای دولتی به زبان ترکی آذری، هم‌یسقته ه‌رابود اراضی و... بود. اما این ظاهر قضیه بود و اجرای برنامه‌های دیگری ن‌و‌چمه‌ی‌یلد‌ج‌از‌ناریا ر‌ریز پوشش این شعارها در سر می‌گذران‌دند. پیشینه بسیاری از نی‌ل‌ع‌ف دره‌قرف تارکومه، ن‌یسبه ط‌اب‌ترا نزدیک آنها با شوروی بود. سید جعفر پیشه‌وری که با ورود نیروهای شوروی به‌ناریا از ن‌اندسز آزاد شده‌دوب به ریاست کمیته مرکزی فرقه مزبور منصوب شد. فرقه دموکرات آذربایجان علی‌رغم صدور بیانیه‌هایی مبنی بر کسب خودمختاری ملی در چارچوب ایران، فوراً تحریمی‌تاسکرا در ت‌ه‌ج‌ل‌ین‌یه‌ب استقلال ملی در پیش گرفت. اتحاد شوروی توانست با طرح نارضاییهای دیرینه‌ای چون عدم‌ل‌یک‌شته انجمن ایالتی یا استفاده از زبان آذری، حمایت مردم را برانگیزد.

چگونگی تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان از موضوع‌هایی است که تا چند سال پیش ق‌ا‌فتا نظری درباره آن وجود نداشت. هواداران‌ه‌شپ‌ی‌وری، او ر‌ا‌ر‌بهر‌ک‌یه ش‌ین‌ج‌ی‌له و ش‌و‌ج‌دو‌خ‌در آذربایجان معرفی کرده‌اند و استالین را متهم می‌کنند که از این جنبش در جهت منافع‌دا‌حتا‌ی‌وروشه بهره‌برداری کرده است، در حالی که برخی دیگر آن را ادامه سیاست اتحاد جماهیر شوروی به‌رو‌ظ‌نه تجزیه آن از ایران می‌دانستند. کمبود اسناد و مدارک و گواهان عینی نیز بر این ابهام‌دو‌ز‌فا ه‌قرف ه‌ک خود فروریخته و کارش به مهاجرت و تبعید کشیده بود، به جای ارائه اطلاعات مستند به‌ل‌سن‌ی‌ا‌ه بعد به توجیح خود می‌پرداخت و حرکت خود را کاملاً مردمی و مستقل می‌خواند. و ادعا می‌کرده‌ک

تنها از حمایت معنوی اتحاد شوروی برخوردار بوده است. اسناد و مدارک اصلی نزد کسانی دیگر، در آن سوی رود ارس مهر و موم شده بود.

اگر چه سیر این حوادث و نیز گفته‌ها و نوشته‌های شاهدان عینی و برخی نارگیزان به‌منحصه دخالت مستقیم اتحاد جماهیر شوروی را در این ماجرا آشکار می‌سازند، لیکن تاکنون سند وی‌کرده که دال بر این مداخله باشد، رو نشده بود. فقط در پی باز شدن آرشیوهای شوروی (آن هم به صورت اندک) و انتشار چنین گزارشهایی است که می‌توان از نقش شوروی، استالین، فوارق و همانزاده و اهداف آنها سخن گفت. به این ترتیب در پژوهش حاضر با اساس رارق دادن دانسا و ک‌راند رشتنه شده در پی پاسخگویی به این سوال هستیم که ل‌ماعی ل‌صا در ل‌کشی ریگ و مدیچر ن‌دشه قرف دموکرات آذربایجان چه؟ دو.

فرضیه تحقیق این چنین خواهد بود: سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی (استالین) عامل موثر در شکل‌گیری و برچیده شدن فرقه دموکرات آذر بایجان بود. که در فصل سه به این موضوع خواهیم پرداخت.

ظن غالب بر این است که تشکیل فرقه دموکرات در ن‌اجیابرذا به ن‌اونهت‌سایسه ل‌خنده شوروی در ایران، نه به صورت یک حرکت خاص و استثنائی که به ل‌یلد م‌هارفن‌دوب طیارشاپرب شده، بلکه یک جریانی ممتد و دنباله‌دار بود که از سال‌ها پیش، یعنی از زمان بلاقنا ربتکا در رندص برنامه کمونیست‌ها بوده و به طرق مختلف سیاست نفوذ چه در ایران و چه در شرق م‌اجنا ی‌مه‌دشد است. و ایجاد فرقه ادامه همین سیاست‌ها بود برای رسیدن به اهداف و منافع ملی ن‌اشد در م‌اجنا ی‌ا دوران بیست و چند ساله تنها چیزی که برایشان اهمیت نداشت ایدئولوژی ت‌سینوم‌ک‌دوب ا‌رچه‌ک بارها به بهانه فراهم نبودن شرایط کنار گذاشته شد و به بعد م‌وکول شد. در فصل دو این مسئله رازاب خواهیم کرد.

در فصل اول نیز نگاهی اجمالی به چگونگی شکل‌گیری فرقه ت‌ارکومد آذربایجان م‌پهاوخ داشت. که این مسئله را از دیدگاه داخلی‌سررب ی‌م‌مینکه‌تکن م‌هم در ن‌یا ل‌صفن‌تخادرپ م‌ب پیشه‌وری به عنوان صدر فرقه دموکرات آذربایجان است و رسیدن به این مهم که وی علی‌م‌غره‌چنآ که قبلا می‌پیشیدنا وی‌مت‌شون م‌ب هژیو در ن‌اجیابرذا ع‌زج‌ک‌فنیلان‌اریا و آیژر، م‌ب رط‌اخ ناملایمت‌های تهران و حزب توده به راهی کشیده شد که شوروی برای ن‌دیسه‌ر م‌ب ف‌اندھا د‌وخ در ایران و آذربایجان او را مناسب‌ترین و آماده‌ترین فرد دید. آنجا که پیشه‌وری ی‌م‌دیوگ: «ایرانی فقط یک اتحادیه بزرگ باید داشته باشد که آن هم اتحادیه ملت ایران است؛ که در شکل حکومت قانونی مرکزی ظاهر می‌شود. نزاع ترک و فارس بسیار خطرناک است. تمامیت و استقلالی را که این همه در

اطرف آن هیاهو می‌کنیم، در معرض بزرگترین خطرها قرار می‌دهد» (خسروپناهی ۱۳۸۶: ۹۶-۹۱). چیزی جز میهن‌پرستی و ایران‌دوستی او دیده نمی‌شود. اما وقتی که نوشت آذربایجان ترجیح می‌دهد بجای اینکه مانند هند اسیر باشد، همچون ایرلند آزاد زندگی کند (آذربایجان، شماره ۶: ۱۹ شهریور ۱۳۲۴). می‌رفت که هم آذربایجان و هم ایران را در التهاب جدایی قرار دهد.

اهداف پژوهش

هدف از این تحقیق نشان دادن این واقعیت است که، آن چه در آذربایجان به وقوع پیوسته است، لایحه شرایط و موقعیتی خاص بوده که در آن دخالت خارجی (شوروی) عامل مهم دوطرفه است. تسلا و جدایی و خودمختاری که در این ماجرا به اهالی آذربایجان نسبت داده شده، نه از وجوه مشخصه اکثر اهالی به شمار می‌آید و نه بیانگر خواست کلی آنها. برای مردم آذربایجان، فرقه دموکرات طغیان آن حد می‌توانست جذابیت داشته باشد که موضوع رسیدگی به تسلا و ناراضیان اشیا را در حیطه می‌کرد، ولی آمال و اهداف سران فرقه به مراتب بیش از این مسائل بود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

تجربه فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان نیز همانند بسیاری از دیگر مباحث تاریخ رصاعه‌ناریا هنوز به درستی مورد پژوهش و بررسی قرار نگرفته است. پس تلاش بر آنست که با بررسی و گردن زوایای تاریک این ماجرا و نشان دادن حقایق، بر اساس اسناد و کلام، و در بخش‌های دیگر با اظافی و نزدیک‌تر شدن به تصویر واقعی از این مقوله، ضرورت و رسالت تسلا و ناراضیان اشیا را در حیطه می‌طرفی.

نتیجه و کاربرد پژوهش

نتیجه‌ای که از این تحقیق می‌گیریم این است که فرقه دموکرات آذربایجان مخلوق مسکو و وکلای دوطرفه و زمام امور آن نیز در دست آن دو. ولی این به معنای آن نیست که ناراضیان اشیا را از آزادی و وجود نداشت، یا آنکه آذریها دلیل مشروعی بر ناراضی از دولت مرکزی نداشتند. ولی چنین به نظر می‌رسد که اکثر آذربایجانیها پیوندی با ایران احساس کرده و از نقش غالبان یسعه‌دستندک دونه در لحظات سرنوشت‌ساز تاریخ ایران غافل نبوده‌اند. آنهایی که به فرقه تارکومد ناراضیان اشیا پیوسته‌اند، از حکومت آن پشتیبانی کردند، شاید که خواهان خودمختاری در چارچوب ایران باشند و به هیچ وجه برای الحاق به شوروی تمایلی نداشتند.

سوابق یا پیشینه تحقیق (ادبیات موضوع)

در مورد فرقه دموکرات آذربایجان و چگونگی شکل‌گیری آن و نقش شوری در این ماجرا به دو دسته منبع برمی‌خوریم که شامل کتاب و اسناد است. کتابها را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. کتابهایی که بیشتر از لحاظ داخلی این پدیده را مورد بررسی قرار داده‌اند، و آنهایی که فرقه را از دید ماگ‌طباور بین‌الملل و تأثیری که در روابط قدرتهای بزرگ داشته تجزیه و تحلیل کرده‌اند.

در مورد اول می‌توان از کتاب آذربایجان در ایران معاصر، اثر تورج اتابکی و نینچمه‌ب‌استدک غائله آذربایجان، تالیف خانبا‌بیانی نام برد. از دسته دوم می‌توان به کتاب ایران و جنگ سرد، نارحج آذربایجان، نوشته لوئیس فاوست و همچنین کتاب نفت ایران، گنج درس و نارحج آذربایجان ریثا ریچارد کاتم را اشاره کرد.

تورج اتابکی در ب‌استدک‌اجبارذآ درن‌اریا رصاعه، به بی‌سررب‌ل‌وخته تی‌وهی موقه در آذربایجان ایران نوین و مسیری که شعور هویت قومی با اقدام سیاسی مستقیم پیمود و در نهایت‌رما به استقرار حکومت خودمختار آذربایجان منجر شد می‌پردازد (اتابکی، ۱۳۷۶).

دکتر خانبا‌بیانی در کتاب غائله آذربایجان، ضمن بهره‌گیری از اسناد وزارت خارجه ایران و تا حدودی کشورهای دیگر، یک بررسی جامع از روزهای اشغال ایران و وقایع منجر به آن به دست داده است. در این کتاب به چگونگی تشکیل فرقه، تلاش‌های شوروی در ایجادت‌عنا‌مرب رس‌راه ماموران ایرانی، کمک به فرقه‌ای‌ها، مذاکره ایران در شورای امنیت، نحوه همراهی‌اکیرما‌اب‌ن‌اریا و رویارویی با شوروی و .. می‌پردازد (بیانی، ۱۳۷۵).

فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان اثر جمیل حسنی، شامل دو رساله به هم پیوسته است که در جمهوری آذربایجان انتشار یافته است. محور اصلی در این کتاب، به ی‌گنوگچ‌ل‌کشی‌ریگ و فروپاشی فرقه دموکرات آذربایجان اختصاص دارد. اینکه چگونه پس از تلاش ناموفق دولت ی‌وروش برای کسب امتیاز نفت شمال، مقامات مسکو با استفاده از شبکه امنیتی و اطلاعاتی هدرت‌سگ‌ای‌ک در این سال‌ها در آذربایجان برپا کرده بودند موجبات تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان را فراهم‌دندروآ. در کتاب آقای حسنی برای نخستین بار سرگذشت فرقه برپایه اسناد و ک‌رادمه تی‌یاور هدشت‌سا. برای این کار نویسنده به آرشیوهای کمیساریای امور خارجه اتحاد شوروی، کمیته دفاع دولتی، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، شورای کمیساریای خلق شوروی و نیز ناگرای‌اهف‌لتخه آذربایجان شوروی مراجعه کرده است. البته می‌ماند ش‌خچی‌اهن‌یا دوب‌استدک‌راشتنا‌ه‌ستفایذ و‌اهندت قسمت‌هایی از آن ترجمه شده است (حسنی، ۱۳۸۳).

خانم فاوست در کتاب ایران و جنگ سرد، بحران آذربایجان پس از شرح ریشه‌های بی‌خیر است. بحران از نظر روابط خارجی و داخلی و نحوه شکل‌گیری آن به صورت حاکمیت فرقه دموکراتی-ط دو فصل جداگانه، بازتاب این واقعه را بر تحولات داخلی ایران و روابط خارجی کشور ای و روش ایالات متحده و بریتانیا یک به یک مورد بررسی قرار می‌دهد (فاوست، ۱۳۷۴).

کتاب رازهای سر به مهر نوشته حمید ملازاده، در واقع خاطرات سرگردم پهاربا زورون اوف است که یکی از صدها مامور حزب کمونیست بوده که به آذربایجان آمد. او ناسی می‌مدنکه که مقرف چگونه سازماندهی شد و باقراف چه نقشه‌هایی در سر داشت. استالین به‌منوگچاپ اوسامت فرگ، چگونه تدارک‌ها انجام شد. در عین حال نکات بسیار مهمی درباره تدوین آیین‌نامه مقرف تارکومد و کم و کیف فعالیت‌های آنها در شهرهای مختلف ایران را منتشر می‌کند در واقع در این کتاب می‌بینید که فکر نفوذ در ایران از همان آغاز جنگ در بین شورویها وجود داشته است (ملازاده، ۱۳۷۶).

کتاب‌های دیگری نیز وجود دارد که بیشتر حالت خاطری-سیونی-متشاد و ابلاغی-تسیلانورژ است و بیشتر توسط کسانی نگاشته شده که یا خود از نزدیک با فرقه تماس داشته‌اند یا در آن دوره در آذربایجان بودند. از جمله کتاب ما و بیگانگان، اثر افشار جهانشاهلو که خود از شخصیت‌های برجسته این ماجرا بود و نوشته‌هایش بسیاری از زوایا را روشن کرد. همچنین کتاب بحران-اجیابردآ، به‌مشون عبدالله مجتهدی که حالت خاطره‌نویسی داشته و به عنوان کسی که از نزدیک شاهد ماجرای فرقه بوده وقایع را ثبت کرده است.

مهم‌ترین ویژگی بحث فرقه دموکرات آذربایجان و اتحاد شوروی در این است که در سنوات اخیر به‌ویژه تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بخش عمده دانش و آگاهی ما از این-مدیدپ، به گزارش‌های یکی از طرفین این مناقشه محدود بوده است. یعنی از یک طرف، ما مقدار زیادی اسناد و گزارش‌های روز به روز از تحولات جاری در آذربایجان در دست داریم که توسط ارگان‌های دولتی مانند فرمانداری‌ها، وزارت دارایی و وزارت فرهنگ و... تولید شده است. این گزارش‌ها-تشیپ از چیرگی تشکیلات فرقه دموکرات، جنبه مستقیم داشتند و بعد که دست ارگان‌های حکومت مرکزی از آذربایجان کوتاه شد، جنبه غیر مستقیم و حاشیه‌ای پیدا کرد. از طرف دیگر، ما ش-رازگی-امت-اماقه سیاسی و نظامی متفقین به‌ویژه بریتانیا و آمریکا را داریم که با-تقد،ت-لاوحتن-یا ه-زوح-رال-اسند می‌کنند. اما همانطور که گفته شد این اسناد به دلیل یکطرفه بودن، از تجزیه و تحلیل هاگتساخی-عقاو فرقه، ارتباط شوروی با این بحران و اهداف آنها عاجز است.

گزارش شوروی‌ها نیز یک اشکال عمده داشت و اینکه در تعیین و تبیین نیات دولت شوروی در برپاداشتن این حرکت و همین‌طور نیات و اهداف مسکو در برچیدن-ن-یا ت-کرح-ی-لیخص-قان-

بود. اغلب فرضیه‌ها را بر اساس حدس و گمان تنظیم می‌کردند. اما با فروپاشی اتحاد شوروی و زایل شدن اسناد و آرشیوهای بلوک قرمبه‌چیردته، عووجه‌ی یاهشرازگ درن‌یا نه‌نیمز درس‌رتسد پژوهشگران قرار گرفت که میزان دخالت و اهداف روز به روز اتحاد شوروی را از این حرکت‌نشور می‌کند. در سالهای اخیر با تلاش‌هایی که در خود جمهوری آذربایجان صورت گرفته‌تسا، به‌ه‌ژیو کتاب‌های «دکتر جمیل حسنی» در مورد فرقه دموکرات، در واقع اکنون گزارش‌های قیقد وی‌لصفه نه فقط از کم و کیف شکل‌گیری فرقه دموکرات و ارتباط آن با سیاست روز اتحاد شوروی، بلکه زیر مکانیسم درونی این تحول در اختیار ما قرار گرفته است که امکان نزدیک شدن به یکی‌بایزرا اتمبسد جامع از کل این پدیده را فراهم آورده است.

اسناد منتشرشده از سوی «مرکز بین‌المللی وودرو ویلسون» که بی‌ط‌ی‌اهلس ۲۰۰۰-۲۰۰۲ در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است، به وسیله کاوه بیات ترجمه شده، وابستگی و توطئه‌همانربزیری شده شوروی را به وضوح آشکار می‌سازد. در این اسناد، از استان آذربایجان، بام‌اندف‌یرحده‌لدشی «آذربایجان جنوبی» یا «جنوب آذربایجان»، نام برده شده است. ن‌یا دانسا به‌ر‌وط‌ل‌ماکه‌به‌ارمه گزارش کنفرانس «طرح تاریخ بین‌المللی جنگ سرد» در فصلنامه شماره ۴۰ گفت وگو به چاپ رسیده است.

همانطور که پیش‌تر نیز گفتیم اثری وجود ندارد که واقعیت‌مقرف را به‌یک‌تر‌ب‌ن‌یا دانسا بررسی کند و بیشتر کتاب‌ها و مقالات نوشته شده از روی حدس و گمان فرقه دموکرات آذربایجان و اتحاد شوروی را تجزیه و تحلیل می‌کردند. کتاب‌های حسنی در این مورد اثتسا ورتشییه‌به عنوان مرجع محققین که این اسناد محرمانه را در خود جای داده مورد استفاده است. کمبود این مسئله به‌ویژه در پایان‌نامه‌های دانشگاهی احساس می‌شود.

روش تحقیق

با توجه به اینکه در این تحقیق منبع اصلی کتاب و سند می‌باشد، روش تحقیق بر اساس تحلیلی کیفی می‌باشد.

روش گردآوری داده‌های پژوهش

با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد و مدارک و بهره‌گیری از روزنامه‌ها و مطبوعات مربوط به آن دوران

مشکلات و تنگناهای احتمالی طرح

دسترسی نداشتن به تمامی اسناد و مدارک مربوط به دوران سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ هـ.س دریا هویشترآ شوروی همچنان بایگانی است. مدارک بیشتری وجود دارد که هنوز توسط جمهوری آذربایجان انتشار نیافته است. به نظر می‌رسد دلیل عدم انتشار این اسناد، بیش از هر چیز سیاسی-سایبشابه. ازت لاکشمه دیگر عدم دسترسی به تمامی آثار موافق و مخالف با این ماجرا است.

سازماندهی پژوهش

در جریان بررسی موضوع رساله -فرقه دموکرات آذربایجان و اتحاد شوروی با تاکید بر اسناد نویافته- این پژوهش شامل سه فصل است. در فصل اول فرقه دموکرات آذربایجان را از دیدگاه ی-لخاد دروسه بررسی قرار می‌دهیم. در فصل دوم که با عنوان سیاست‌های کلی شوروی در شرق است، بهت املدقا و فعالیت‌های شوروی در ایران در جریان اشغال که در نهایت به ایجاد فرقه دموکرات رجنه دشبه عنوان یک جریان ممتد که از دوران انقلاب کمونیستی پی‌گیری می‌شد، نگاه می‌دوشه و ت-یاهنزد در فصل سوم با تاکید بر اسناد جدید وه‌زات-راشتنا ه-تفایش‌قند ی‌وروشه درل یکشته ه-قرف تارکومد آذربایجان به صورت عینی و مستند مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد.

فصل اول

فرقه دموکرات آذربایجان

پیشه‌وری، صدر فرقه دموکرات آذربایجان

نام اصلی او «سید جعفر جوادزاده» و نام پدرش میر جواد است، در جراید به اسم پرویز مقاله می‌نوشت. بعد از مدتی به پیشه‌وری تغییر نام داد. به نظر می‌رسد این تغییر نام‌ها برای این بود که در مبارزه شناخته نشود. در دوازده سالگی در نتیجه غارت شدن خانه و زندگی، همراه خانواده خود به باکو کوچید. و ضمن فراشی در مدرسه ایرانیان، به تحصیل ادامه داد و بعدها در همانجا به معلمی پرداخت (جامی ۱۳۶۲: ۲۷۲).

مبارزه سیاسی و اجتماعی خود را در سال ۱۹۱۸ میلادی/۱۲۹۷ش با حزب دموکرات ایران و روزنامه «آذربایجان جزء لاینفک» ایران آغاز کرد و قدم در راهی گذاشت که می‌خواست آزادی را برای همه هموطنانش به ارمغان بیاورد (خسروپناه ۱۳۸۶: ۸۷). نام این روزنامه مثل اغلب مقالات مندرج در آن حاکی از علاقه ایرانیان ساکن خارج به سرزمینشان بود و در واکنش به بعضی از روزنامه‌های قفقاز مثل «آجیق سوز» و «تفلیسکی لستوک»، که برداشت مغرضانه‌ای نسبت به جنیش خیابانی داشتند، انتشار یافت (رئیس نیا ۱۳۷۷: ۵۴).

پس از متلاشی شدن حزب دموکرات به طرف جنبش‌های چپ کشیده شد، و در آزادی ملل روسیه عملاً دخالت داشت. وی علت پیوستنش را به این حرکات چنین توجیح می‌کند: «در این کار بزرگ و پر افتخار علاوه بر مبارزه آزادی‌خواهی یک نظر ملی هم مرا تحریک می‌کرد، من می‌دانستم که نجات و سعادت میهن من در پیشرفت رژیم است که انقلابیون روسیه می‌خواهند و اگر غیر از لویای پر افتخار لنین، بیرق دیگری در روسیه در اهتزاز باشد استقلال و آزادی ملت ایران همیشه در معرض خطر خواهد بود» (جامی ۱۳۶۲: ۲۷۲).

وی از جمله ایرانیانی بود که در باکو فرقه عدالت را بنیان نهاد و در حزب کمونیست نقش مهمی داشت. بعد از تشکیل جمهوری شورایی ایران در گیلان که با همکاری حزب کمونیست انجام شد، به ایران آمد و در این حکومت به سمت کمیساریای امور خارجه انتخاب شد (طلوعی ۱۳۶۷: ۵۰۲). اما این ائتلاف چندان به طول نینجامید. در پی کودتایی که حزب کمونیست ترتیب داده بود، دولت انقلابی جدید در رشت به ریاست احسان الله خان تشکیل شد و جوادزاده در این حکومت، سمت کمیسر امور داخله را داشت (فخرایی ۱۳۵۷: ۲۷۲-۲۴۶). پیشه‌وری در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۰۰ با سمت وزیر داخله حکومت گیلان به منظور شرکت در کنگره سوم کمیترن عازم مسکو شد. بعد از برگزاری کنگره با اطلاع از فروپاشی حکومت گیلان در مسکو و باکو ماند (ناصری ۱۳۸۵: ۵۴-۵۳).

جوادزاده در این دوره وقوع انقلاب کمونیستی را در ایران امکانپذیر می‌دانست. وی چنین می‌پنداشت «که با ورود ارتش سرخ به ایران فقرا بر ضد حکومت مرتجع قیام کرده، به یاری آنها، که

نه در پی تصرف اراضی، بلکه به قصد کمک به استقرار نظامی عدالت گستر مظفرانه پیش می‌تازد و نه بر ضد شعار «ایران از آن ایرانیان است»، بلکه مدافع شعار زحمتکشان هر جا حاکم همان جا هستند، می‌باشند، بر سرنوشت کشور خود حاکم شده به آبادی آن خواهند کوشید» (رئیس نیا ۱۳۷۷: ۵۴). پیشه‌وری پس از آمدن به تهران در نهضت‌های کارگری تازه تاسیس شده درگیر می‌شود و روزنامه حقیقت را با همراهی دوستانش انتشار می‌دهد و در حدود هفتاد مقاله در آن می‌نویسد. در یکی از شماره‌های حقیقت به موضوع انجمن‌های ایالتی و ولایتی می‌پردازد و در آن احساس ایرانیست را عامل عمده حفظ وحدت و جلوگیری از تجزیه اهالی می‌داند. وی تقویت حکومت مرکزی و نزدیکی و تفاهم دولت و ملت و یکپارچگی ملی را نیز به واسطه گسترش اختیارات محلی امکانپذیر می‌داند. در واقع پیشه‌وری تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی را وسیله‌ای برای جلوگیری از خودکامگی روزافزون رضا خان می‌دانسته است (رئیس نیا ۱۳۷۷: ۵۵). روزنامه حقیقت توسط حکومت بسته می‌شود و پیشه‌وری، ظاهراً هشت سال بعد از آن، زندگی آرامی را در پیش می‌گیرد. البته بعضی معتقدند که هنوز روابط پنهانی خود را با حزب کمونیست ادامه می‌داد.

در سال‌های نخست ۱۳۰۹ به جرم فعالیت‌های کمونیستی بازداشت شد و ده سال را در زندان همراه با اعضای آتی حزب توده یعنی ۵۳ نفر گذراند. ولی همیشه از آنها دوری می‌کرد چرا که آنها را فاقد تجربه سیاسی می‌دانسته و معتقد بود که هنوز زمینه‌های بورژوازی در آنها وجود دارد (اتابکی ۱۳۷۶: ۱۳۱-۱۳۰). در بازجویی‌هایی که در زندان از وی به عمل می‌آید، عقیده به مرام کمونیستی را انکار می‌کند و آن را مربوط به چند سال پیش می‌داند و می‌گوید که این فکر در ایران خیلی زود است و تا صد سال دیگر هم در این کشور آمادگی ایجاد نخواهد شد (پورنظمی سبسی ۱۳۸۳: ۸۰).

پیشه‌وری به محض رهایی از زندان درگیر فعالیت‌های سیاسی تهران شد. در این اثنا ایرج اسکندری و تنی چند از یارانش در صدد تشکیل حزب توده برمی‌آیند. آنها پیشه‌وری را که مهمترین رهبر بازمانده از حزب کمونیست ایران بود، به جلسه موسسان حزب توده دعوت کردند. پیشه‌وری در آن جلسه به عضویت هیئت مرکزی موقت انتخاب شد و به همراه چند تن دیگر مامور تدوین طرح برنامه و اساسنامه حزب شد. پیشه‌وری اساسنامه را به تنهایی و برنامه را با همفکری ایرج اسکندری نوشت (اسکندری ۱۳۶۸: ۱۱۸). برخلاف انتظار بسیاری از کمونیست‌ها این طرح نه تنها انقلابی نبود بلکه حتی کمونیستی هم نبود و این دقیقاً همان چیزی بود که پیشه‌وری می‌خواست؛ چرا که وی معتقد بود زمینه اجتماعی و فرهنگی برای تشکیل حزب به تمام معنی طبقاتی در ایران وجود ندارد و احزاب باید منافع تمام طبقات را در سرلوحه اهداف خود قرار دهند. اما جناح تندروی

حزب، که معتقد به یک حزب کاملاً کمونیستی و پرولتری بودند، غالب آمدند و توانستند برنامه و خط مشی حزب را به نفع خود تغییر دهند.

با توجه به اختلافات پیش آمده پیشه‌وری از حزب توده جدا شده و روزنامه آژیر را منتشر کرد (خسرو پناه ۱۳۸۶: ۹۰-۸۸). از این پس وی فرصت می‌یابد که هدف‌های سیاسی خود را مطرح و دنبال کند. هدف‌های او عبارت بودند از: جلوگیری از احیای دیکتاتوری، برقراری آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به منظور نوسازی کشور و حذف بقایای نظام دیکتاتوری رضا شاه. پیشه‌وری تحقق این اهداف را در گرو تشکیل جبهه متحد آزادی خواهان، اجرای قانون اساسی و تشکیل دولت مقتدر ملی می‌دانست. او به شدت علیه هر حرکتی که در راستای تضعیف دولت مرکزی و تحریک اختلافات قومی باشد، موضع می‌گیرد. «ایرانی فقط یک اتحادیه بزرگ باید داشته باشد که آن هم اتحادیه ملت ایران است؛ که در شکل حکومت قانونی مرکزی ظاهر می‌شود. نزاع ترک و فارس بسیار خطرناک است. تمامیت و استقلالی را که این همه در اطراف آن هیاهو می‌کنیم، در معرض بزرگترین خطر قرار می‌دهد. ... دعوی ترک و فارس و نظریه نژادی هیتلر، هر دو از یک ریشه، یعنی ارتجاع آب می‌آورد. این حرف‌ها به هیچ وجه شایسته میهن ما نیست. ... ما باید ثابت کنیم که یک ملت زنده شایسته استقلال هستیم و تمام ترک زبانان و ارمنیان و آسوری‌ها و زرتشتیان را که در این سرزمین با ما زندگی کرده و در سرنوشت آن با ما شریکند، از خود می‌دانیم» (خسرو پناهی ۱۳۸۶: ۹۶-۹۱).

نکته مهم در مورد پیشه‌وری آن است که وی به حدی از طرح مسائل قومی در ایران بیم و هراس داشت که هرگاه می‌خواست به اجزای ملت ایران اشاره کند، از اقلیت‌های دینی نام می‌برد و اگر از ترک زبانان یاد می‌کند آن هم بنا به ضرورت مقاله بود. زیرا به نظر او «تهران و تبریز از نقطه نظر ایرانی توفیری ندارند». پیشه‌وری تاکید می‌کند: «مردان شرافتمند از بالای سر کشور خود با بیگانگان رابطه به هم نمی‌زنند. در خطرناک‌ترین موقع‌ها بر علیه دولت مرکزی بر نمی‌خیزند و برای احقاق حقوق مشروع خود، از راه دزدی و غارتگری و شورش و بلوا اقدام نمی‌کنند. زیرا ارتجاع بین‌المللی از وحدت ملت ایران خوشش نمی‌آید و سعی می‌کند در پیکر ایران، دولت‌های کوچک کوچک بوجود بیاورد» (خسرو پناهی ۱۳۸۶: ۹۶).

با شروع انتخابات مجلس چهاردهم پیشه‌وری از تبریز کاندید شد. در مورد چگونگی موضع حزب توده برخی معتقدند که، این حزب از او حمایت نکرد. «موضوع پیشه‌وری یک استثنا بود و بدون اینکه از طرف حزب توده نامزد یا حمایت شده باشد از تبریز انتخاب شد» (کی مرام ۱۳۷۴: ۹۱). عده‌ای نیز معتقدند، حزب توده از وی حمایت کرد. «... اگر حزب توده و رفقای آزادیخواه

آذربایجان بتوانند تصمیم کمیته مرکزی حزب توده را عملی کنند و مرا به مجلس بفرستند؛ من در خود آنقدر صمیمیت و ایمان سراغ دارم که بتوانم شهرت بلند آذربایجان را لکه‌دار نکنم» (جامی ۱۳۶۲: ۳۵۰).

اولین برنامه مجلس جدید بررسی اعتبارنامه‌ها بود. از مجموع ۱۳۶ نماینده‌ای که انتخاب شده بودند، اعتبارنامه دو نماینده رد شد. این دو نفر خویی و پیشه‌وری نماینده اول و دوم تبریز بودند (کی استوان ۱۳۲۷: ۱۲۸). در این مورد فاطمی می‌گوید: «مخالفت با اعتبار نامه پیشه‌وری خیلی محرمانه شکل گرفت؛ چند نفر از متولیان مجلس مثل دکتر طاهری، امیر نصرت اسکندری، ثقه الاسلامی، سرتیپ‌زاده، وکلای تبریز، امیر تیمور کلالی، علی اقبال، از خراسان، دشتی، جلال امامی و چند نفر دیگر دور هم جمع شده و تصمیم گرفتند که بدون سر و صدا کار اعتبارنامه او را تمام کنند» (سیف پور فاطمی ۱۳۷۹: ۳۳۲). شریعت‌زاده مامور اجرای این قضیه شد و برای اینکه حساسیت شوروی برانگیخته نشود، اعتبارنامه خویی را هم رد کردند. وی در مجلس گفت: «من هیچ دلیلی از لحاظ صلاحیت شخصی بر علیه نمایندگان تبریز ندارم و تنها دلیل من اعتراضاتی است که به طرز انتخابات تبریز دارم» (جامی ۱۳۶۲: ۱۹۰). ولی اگر چنین بود باید اعتبارنامه همه وکلای تبریز رد می‌شد، نه فقط این دو نفر

پیشه‌وری که با این مخالفت‌ها روبرو شده بود، به طوری که حتی حزب توده هم برای تصویب اعتبارنامه او اقدام جدی به عمل نیاورده بود، اعلام کرد: «من از پنجره بیرون رفتم ولی از در وارد خواهم شد» (تربتی سنجابی ۱۳۷۵: ۱۰۸). از طرف دیگر اعتبارنامه پیشه‌وری در کنگره اول حزب توده که در ده مرداد ۱۳۲۳ آغاز به کار کرده بود، رد شد. و این دومین بار بود که او از نظر سیاسی زیر سوال می‌رفت. بعد از این قضایا بود که او نوشت: «برای ایران راه حل مشروطه غیرممکن است» (خسروپناه ۱۳۸۶: ۱۰۲). وقتی در تهران با چنین ناکامی‌هایی روبرو شد به تبریز رفت و به زعم خود قدم در راه آزادی ایران و آذربایجان از راه غیر مشروطه گذاشت و فرقه دموکرات آذربایجان را به عنوان نماد این راه میان‌بر و دیکته شده از خارج از مرزها تشکیل داد.

تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان

تاسیس فرقه دموکرات آذربایجان درست یک روز پس از شکست ژاپن، یعنی در دوازدهم شهریور ۱۳۲۴ با انتشار بیانیه‌ای به دو زبان آذربایجانی و فارسی که شامل یک مقدمه و دوازده ماده بود، رسماً اعلام شد (الموتی ۱۳۷۰: ۴۵۳). مقدمه بیانیه را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد. در بخش اول به چگونگی زندگی و اداره امور در کشورهای پیشرفته چندملیتی می‌پردازد و در آن مثال‌هایی از کشورهای آمریکا، سوئیس و اتحاد جماهیر شوروی می‌آورد. «افراد و قبایل و ملل و ساکنین نقاط خارج از مرکز هر قدر بیشتر در امور داخلی، استقلال و آزادی عمل داشته باشند، علاقه و پایبندی آنها نسبت به نگهداری میهن بیشتر و محکم‌تر خواهد بود». در بخش دیگر به خصوصیت خاص آذربایجان اشاره می‌کند که از حیث زبان و آداب و رسوم خود را از دیگر نقاط ایران جدا می‌داند. «بنابراین مردم آن باید در امور فرهنگی و عمران و آبادی میهن خود بتوانند دخالت بکنند... هرگز برخلاف مرکزیت حرف نزده بلکه به تقویت آن کوشیده‌ایم... اینها نمی‌دانند که ریشه زبان در سینه مادرهاست. آداب و رسوم از کنار اجاقها برمی‌خیزد، تا مادرها زنده و اجاقها روشن هستند، زبان و آداب و رسوم ملتی را نمی‌توان تغییر داد». در قسمت پایانی مقدمه به فداکاری‌ها و مبارزاتی که مردم آذربایجان در طول تاریخ برای آزادی و وحدت ایران انجام داده‌اند، از دوران مادها و مشروطیت و غیره می‌پردازد (قیزیل صحیفه ۱۳۲۴: ۱۰-۱).

در بیانیه ضمن تاکید بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، به حق تعیین سرنوشت و مختاریت مدنی اشاره شده بود. که از طریق انجمن‌های ایالتی و ولایتی دنبال خواهد شد. همچنین تدریس به زبان آذربایجانی در مدارس به عنوان دیگر شعار فرقه و البته از مهمترین آنها بود. همچنین وعده‌هایی در مورد تشکیل دانشگاه ملی، توسعه صنایع و تجارت، آبادی شهرها، مبارزه با بیکاری، رسیدگی به امور دهقانان، اصلاح قانون انتخابات و بکارگیری بیش از نیمی از مالیات استان در خود منطقه داده شده بود (آذربایجان، شماره ۱: ۱۴ شهریور ۱۳۲۴).

فرقه دموکرات آذربایجان به معنای علمی کلمه حزب نبود، بلکه جبهه‌ای بود که به شرط قبول مرامنامه‌اش، مردم را از هر سنخ و طبقه‌ای پذیرش می‌کرد. در این مورد در روزنامه آذربایجان چنین آمده است «فرقه ما فرقه‌ای است ملی و لذا بدون در نظر گرفتن طبقات، عموم جماعت را به زیر پرچم خود فرا می‌خواند» (آذربایجان، شماره ۱: ۱۴ شهریور ۱۳۲۴). در واقع علت اصلی تشکیل فرقه و جایگزینی حزب توده با آن نیز در همین مسئله بود. چرا که پیشه‌وری و کمونیست‌های دیگر برنامه حزب توده را قبول نداشتند و بجای روش سیاسی طبقاتی از روش سیاسی ملی جانبداری می‌کردند. وی در انتقاد از حزب توده در روزنامه آذربایجان چنین می‌نویسد: «... حزب توده حزبی

طبقاتی است. در این حزب به جز کارگر و دهقان و برخی از روشنفکران طبقه پایین، به کسی اجازه ورود داده نمی‌شود. وظایف و شعارهای حزب را فقط منافع این طبقات و گروهها تعیین می‌کرد... ما اما، برای تامین آزادی ملی، دست کمک به سوی همه دراز می‌کنیم. از مالک تا رعیت، از کارگر تا سرمایه دار» (آذربایجان، شماره ۶: ۲۷ شهریور ۱۳۲۴).

سه روز پس از تشکیل فرقه (۱۵ شهریور ۱۳۲۴)، کمیته ایالتی آذربایجان حزب توده، کنفرانسی برگزار کرد که قرار بود در آن جلسه انحلال تشکیلات ایالتی و ادغام آن در فرقه دموکرات اعلام شود (جامی ۱۳۶۲: ۲۸۰). عکس العمل‌ها در مورد تشکیل فرقه و ادغام حزب توده در آن کاملاً مثبت هم نبود «در رضائیه (ارومیه) شش تن از معتمدان مردم شهر، پشتیبانی خود را از فرقه دموکرات آذربایجان با این شرط اعلام کردند که در اعلامیه فرقه بعضی تغییرات کوچک انجام پذیرد» (پسیان ۱۳۲۸: ۲۲). در زنجان شعبه حزب توده، صراحتاً با پیوستن به فرقه دموکرات آذربایجان مخالفت ورزید (جهان شاهلو افشار ۱۳۸۰: ۲۴۰-۲۳۲).

وقایع تبریز واکنش فوری نمایندگان را برانگیخت: گروهی استدلال می‌کردند که ایران از یک ملت تشکیل شده است، نه چند ملت جداگانه، زیرا مردم آن تاریخ، مذهب و خاستگاه نژادی مشترک دارند. گروهی دیگر معتقد بودند که حکومت صدر موجب واکنش تند مخالفان می‌شود. دسته سوم که بیشتر نمایندگان ضد دربار شمالی بودند و از شاه و ارتش انتقاد می‌کردند، دست از انتقاد کشیدند و طرفدار افزایش و گسترش نیروهای مسلح شدند و بالاخره گروه چهارم که برخی از نمایندگان مناطق شمالی بودند که پیشتر از شورویها به دلیل عدم تشویق جدایی طلبان انقلاب ایران حمایت می‌کردند در روش خود تجدید نظر کردند (آبراهامیان ۱۳۸۱: ۲۷۱-۲۷۰).

در ۱۷ آبان جلسه عمومی کمیته مرکزی فرقه دموکرات به هیئت عامل اختیار داد که برای تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی، به عنوان راهگشای حکومت ملی، به هر ترتیبی که صلاح می‌داند عمل کند. در مرحله دوم شعارهای زیر در سرلوحه کارشان قرار گرفت:

- ۱- تحکیم سازمان‌های پایین فرقه
- ۲- توضیح مفهوم انتخابات با برپا ساختن میتینگ‌های بزرگ و حاضر کردن مردم برای مبارزه در این راه
- ۳- تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی
- ۴- آمادگی برای مجلس پانزدهم (جامی ۱۳۶۲: ۳۰۰).

به این ترتیب تا این مرحله شعارهای فرقه نه تاسیس مجلس و حکومت ملی، بلکه در حد تشکیل انجمن‌های ایالتی و تلاش برای راه یافتن به مجلس پانزدهم بود. ظاهراً در جلسه پلنوم از